

بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت روز مبارزه با استکبار جهانی - 9 / آبان / 1375

بسم الله الرحمن الرحيم

به همه برادران و خواهران عزیز، بخصوص برادران و خواهرانی که از راههای دور و شهرهای دیگر تشریف آورده اند، خوشامد عرض می کنم. جلسه، جلسه بسیار شیرین و مطلوبی است؛ زیرا جلسه جوانانی است که در صف مقدم تلاشهای علمی قرار دارند؛ یعنی دانشجویان و دانش آموزان و معلمان و اعضای دفاتر نمایندگی و کسانی که سر و کار آنها با علم و معرفت است.

چون جلسه، به مناسبت نزدیکی سیزدهم آبان - روز مبارزه با استکبار - تشکیل شده است، خیلی بجاست که درباره مسأله اساسی این شعار - یعنی شعار مبارزه با استکبار - در این جلسه قدری صحبت شود. اساساً شعارها در یک کشور و در یک نظام، اهمیت زیادی دارند و برخورد با شعارهای مختلف در هر کشوری، از ظرافت و حساسیت خاصی برخوردار است. اگر یک ملت یا مسؤولان آن، چگونگی برخورد با شعارها را درست ندانند، به خسارتهای بزرگی دچار خواهند شد.

البته گاهی شنیده می شود که بعضی بر زبان می آورند، امروز روز شعار نیست؛ روز عمل است. این، حرف درست نیست؛ اگر چه بعضی از کسانی که این حرف را ادا می کنند، نیت درستی دارند و می خواهند بگویند فقط با شعار دادن، نمی شود کشور را اداره کرد، که حرف درستی است.

با شعار دادن، نه یک کشور را، بلکه یک ده را هم نمی شود درست کرد و اداره و آباد نمود. در کنار شعار، عمل لازم است؛ ولی بعضی از روی ساده لوحی، بعضی هم شاید از روی غرض، این حرف را طور دیگری معنا می کنند. گویا این طور می خواهند وانمود کنند که شعار را باید کنار گذاشت. این، غلط است. شعار، مثل علم، راهنما و نشانه است. عمل بدون شعار هم، مثل شعار بدون عمل است.

یک ملت، برای این که بداند کجا می رود و چه کار باید بکند، باید شعارهای خود را به طور صریح و روشن حفظ کند. اگر شعارها از بین برود، مثل این است که جمعیت کثیری در بیابانی، بدون نشانه حرکت کنند و یک وقت می بینید که از جای دیگر سر در می آورند. شعار، خصوصیتش این است که نمی گذارد یک ملت و یک کشور، راه را عوضی برود. پس، خود این هم، یک شعار باشد که بگوییم: هم شعار، هم عمل؛ شعار در کنار عمل، عمل در سایه شعار. شعار عمده ملت ایران، شعار «استقلال» و «آزادی» بود که به شعار «جمهوری اسلامی» منتهی شد. در گذشت زمان، هر چه انقلاب جلو رفت، شعار «استقلال» و «آزادی»، روشنتر و واضحتر شد. یعنی از آن شعارها، شعارهای تازه ای به وجود آمد که راه را مشخص کرد. یکی از آن شعارها، همین شعار مبارزه با استکبار است.

البته استکبار، معنای وسیعی دارد. در قرآن هم، شاخه ها و مشتقات استکبار، مکرر به کار رفته است. خود کلمه استکبار هم، در قرآن به کار رفته است. به نظر می رسد که استکبار، غیر از تکبر است. شاید این طور بشود گفت که تکبر، بیشتر به یک صفت قلبی و روحی اشاره می کند؛ یعنی انسان خود را برتر از دیگران بداند و بگیرد. استکبار، بیشتر به جنبه ی عملی تکبر توجه دارد. یعنی کسی که کبر می ورزد و خود را بالاتر از دیگران می داند، در رفتار خود با دیگران هم، طوری کار را سازماندهی می کند که این تکبر، در عمل مشخص و واضح می شود. دیگران را حقیر می کند، به دیگران اهانت می کند، در کار دیگران دخالت می کند و برای دیگران، به عنوان تصمیم گیرنده ظاهر می شود.

این، معنای استکبار است که در آیه کریمه قرآن هم، آن جایی که درباره مستکبران سخن می گوید، می فرماید: «فلما جاءهم نذیر مازادهم الانفورا، استکباراً فی الارض و مکر السی». یعنی در مقابل پیامبر و حرف حق، استکبار ورزیدند. نگفتند ما بالاتریم؛ بلکه این بالاتر بودن را، این بیشتر حق داشتن یا برای خود حق بیشتری قائل بودن را، در عمل سازماندهی کردند؛ یعنی همان جنگهای طولانی و تمام نشدنی جبهه کفر و عناد و طغیان، با جبهه پیام حق و معنویت و نور و هدایت. استکبار، یعنی این.

البته در هر زمانی و برای هر ملتی، ممکن است استکبار معنای خاصی پیدا کند. برای ما ملت ایران، در جریان انقلاب و پیش از انقلاب و بعد از آن تا این ساعت، استکبار معنای خاصی داشته و عبارت از قدرتهای مسلطی در جهان بوده است که در مسائل این کشور و در سرنوشت و کارهای این ملت، حضوری ظالمانه و قدرتمندانه و قلدرانه را در پیش گرفتند. برای ما، معنای استکبار، این بوده است.

اگر بخواهیم در بین دولتهای دنیا، مستکبر را پیدا کنیم، دچار مشکل نمی شویم. یعنی دولت امریکا - که امام به او لقب شیطان بزرگ دادند - در مقابل ندای حق طلبانه ملت ایران، مستکبر بود. استکباری که در زمان ما شکل گرفت، استکبار امریکایی بود. قبل از انقلاب هم، این طور بود. در دوران انقلاب و تا امروز هم همین طور است.

این سه حادثه ای که روز سیزده آبان، نمایشگر و یادآور آن حوادث است، در همین ارتباط است. قبل از انقلاب، امام با وسوسه و دخالت امریکاییها در کشور و با مسأله کاپیتولاسیون مخالفت کردند. به خاطر این مبارزه، امام را در روز سیزده آبان، تبعید کردند. استکبار، یعنی این. به خیال خودشان، حرف حق را در گلوئی گوینده حق شکستند. البته این صدا نشکست و بحمدالله شجره طیبه ای شد.

در اثنای انقلاب، در مثل چنین روزی، دانش آموزان ما به خیابانها آمدند و به خاطر گفتن «مرگ بر امریکا» و مبارزه با جبهه امریکایی، به شهادت رسیدند. این هم، باز به مسأله استکبار امریکایی، ارتباط پیدا کرد. بعد از پیروزی انقلاب هم، توطئه های امریکاییها به اشکال مختلف، علیه نظام نوپای اسلامی، به این جا منتهی شد که دانشجویان ما رفتند، مرکز توطئه امریکاییها در تهران؛ یعنی لانه جاسوسی را که محل سفارت امریکا بود، تصرف کردند. این هم، ماجرای دیگری در قضیه مبارزه با استکبار بود. یعنی جریان مبارزه با استکبار و تحقق استکبار در شکل نظام ایالات متحده امریکا، از قبل از انقلاب شروع شده و تا بعد از انقلاب ادامه داشته و تا امروز هم ادامه دارد.

پس، ملت ایران، شعار مبارزه با استکبار را باید به عنوان پرچم و مشعلی حفظ کند. چرا؟ چون این علم برافراشته حفظ نشود و این شعار، افسرده و گم شود، راه ملت گم خواهد شد. استدلال واضحی هم دارد. چون دشمنی آن دشمن، آشکار است و برای اهل بصیرت، مخفی نیست و دشمن آشکار هم، با وجود این که دشمنیش آشکار است، شیوه هایی برای فریب دارد. غالب ملتهایی که فریب خوردند و دولتهایی که اشتباه کردند، از این جا اشتباه کردند که روشهای دشمن را درست نشناختند. اگر ما روشهای دشمن را نشناختیم و مبارزه با دشمنی که می خواهد ما را نابود کند، به فراموشی سپردیم، بدیهی است که راهی را خواهیم رفت که دشمن می پسندد؛ یعنی راه نابودی، راه ویرانی، راه فساد.

پس، مبارزه با استکبار، یک شعار همیشگی است. منتها مطلب اساسی این است که یک ملت هوشمند، همیشه برخورد با شعارها را درست انتخاب می کند. یک وقت، انسان فقط شعاری را دائماً بر زبان جاری و تکرار می کند؛ این کار زیادی نیست. یک وقت، شعار را می شکافد، در آن تعمق می کند و بر اساس آن، کار انجام می دهد؛ این درست است. در شعار مبارزه با استکبار - که امروز گفتم تجسم استکبار، دولت متجاوز امریکا است - خود امریکاییها و دولتمردان امریکایی، از اول انقلاب تا به حال، راههایی را طی کردند، برای این که این شعار را از فضای کشور ایران بزدايند. چرا؟ چون تا این شعار وجود دارد، تا ذهن مردم از «مرگ بر امریکا» پُر است، تسلط دوباره امریکا بر این کشور و منابع آن، ممکن نیست.

پس، تا وقتی که فضای کشور، از ضدیت با دولت متجاوز امریکا - به صورت تبیین شده - پُر باشد، امریکا قاعدتاً دیگر راهی به این کشور ندارد. نه می توانند در سیاست این کشور دخالت کنند، نه به منابع اقتصادی این کشور تسلط یابند و نه حضور فرهنگی در این جا داشته باشند. اگر بخواهند به این کشور برگردند، راهش این است که اول، این شعار را حذف کنند؛ اول دشمنی ملت ایران با نظام سلطه و با سلطه گر و به طور مشخص با امریکایی مستکبر را از بین ببرند.

آنها برای خود، راههایی دارند. از روز اول انقلاب، این کارها به شکلهای مختلف شده است. یکی از کارها این است که در ذهن مردم داخل کشور، این فکر را به وجود آورند که امریکا، یک قدرت شکست ناپذیر و واقعیت و عظمتی در جهان است و نمی شود با آن مبارزه کرد. به حافظه خودتان مراجعه کنید؛ از دوران امام رضوان الله تعالی علیه و

خصوص بعد از رحلت ایشان تا امروز، به وسایل گوناگون، در شکل مقاله و قصه و شعر و سیاست بافی و تحلیل سیاسی و غیره، کسانی - چه عناصر صریحاً وابسته به امریکا، چه حتی عناصری که داخل کشور هستند و صریحاً هم خیلی وابسته به امریکا نیستند - این فکر را ابراز می کنند. اگر شما اهل مطالعه باشید - که هستید - یقیناً در ذهنتان، مواردی از این قبیل را می توانید پیدا کنید. یعنی به ملتی بگویند: بی خود زحمت می کشید، با چه کسی می خواهید در بیفتید؟! این، فکر غلطی است.

ملت ایران که می گوید ما با استکبار مبارزه می کنیم، مقصودش این نیست که ما لشکرکشی می کنیم، تا در خلیج فارس، ناوگان امریکا را مثلاً بمباران کنیم! مبارزه ما، این نیست. حتی ملت ایران و مسؤولان کشور، نمی گویند که ما کاری می کنیم که به دست امریکایی قلدر بهانه بدهیم، تا در موقعیتی، حرکت تندِ مجنونانه ای علیه جمهوری اسلامی بکند. پس، معنای مبارزه، مبارزه نظامی به آن شکل نیست. البته، اگر روزی تهاجم نظامی و تعرضی بشود، ملت ایران جواب سختی خواهد داد. ملت ایران که در مقابل دشمن در نمی ماند.

مقصود از مبارزه این است که ملت ایران، در مقابل کید و تعرض و دست اندازی و تلاشهای سیاسی دشمن و انواع و اقسام کارهایی که می کند تا دوباره کشور ایران را به یکی از اقمار خود تبدیل نماید، با شدت و قدرت خواهد ایستاد و مقاومت خواهد کرد. مبارزه، یعنی این. مبارزه با استکبار، یعنی هر جا که در سطح جهان، دستان برسد، نسبت به استکبار، افشاگری خواهیم کرد. هر جایی که مظلومی، از ظلم استکبار دچار آسیب است و به جان آمده، ما هر طور بتوانیم، طرف آن مظلوم را خواهیم گرفت.

امریکاییها در قضیه خاورمیانه، با انواع و اقسام شیوه های خود، سعی کردند که دولت جمهوری اسلامی را به روند سازش خائنانه ای که خودشان اسمش را گفتگوی صلح گذاشتند، ملحق و نزدیک کنند؛ ولی ایران اسلامی با قوت و قدرت ایستاد و قبول نکرد. ما از روز اول گفتیم که این روند، محکومت به شکست است؛ چون بر خلاف حق است. دیدید که همین طور هم شد. امروز همه دنیا تصدیق می کنند که حرف ما درست بود. مبارزه با استکبار، یعنی این که هر جایی در سطح جهان، اگر امریکاییها علیه ملتی، علیه اصلی از اصول اسلامی و علیه حقیقتی که ما به آن پایبند هستیم، حيله و ترفندی به کار ببندند، ما آن حيله را بر ملا و خنثی خواهیم کرد و تا به حال هم کرده ایم. در این مبارزه، امریکا شکست ناپذیر نیست؛ اتفاقاً بسیار هم آسیب پذیر است. شما امروز نگاه کنید، خواهید دید که امریکا در چندین جبهه شکست خورده است. در افغانستان وارد شدند، تا دولتی را که علی الظاهر دولت قانونی بود، به سود خودشان برکنار کنند و یک دولت وابسته بیاورند؛ ولی نتوانستند. در عراق، طور دیگری تلاش کردند؛ ولی نتوانستند. در خاورمیانه، تلاش بسیار وسیعی کردند؛ ولی نتوانستند. در مسائل سیاسی جهانی و در طرف کردن اروپا با ایران، تلاش کردند؛ ولی نتوانستند. در محاصره ی اقتصادی جمهوری اسلامی تلاش کردند؛ ولی نتوانستند. سعی کردند افکار عمومی ملتها را علیه ما تحریک کنند؛ ولی جز یک عده ملت‌هایی که مثل خود آنها فکر می کنند و در اقلیتند، در بقیه کشورها نتوانستند.

امروز در سطح جهان - در آسیا، در آفریقا و حتی در اروپا - به نام جمهوری اسلامی و به نام آن اسطوره تمام نشدنی این نظام - یعنی امام بزرگوار راحل ما مردم به هیجان می آیند و در آن جایی که بتوانند، شعار هم می دهند. پس، این طور نیست که امریکا، آسیب ناپذیر باشد؛ آسیب پذیر است. در داخل کشور، همه تلاشهایشان را انجام دادند، بلکه بتوانند مقدّسات این نظام را از نظر افکار عمومی مردم، زیر سؤال ببرند؛ ولی نتوانستند.

پس، این حرف غلطی است که بعضی خیال کنند و ترویج نمایند و بنویسند و بگویند که چرا بی خود زحمت می کشید! نه؛ بی خود زحمت نمی کشیم. اگر بی خود زحمت کشیده بودیم، حالا باید پانزده سال باشد که جمهوری اسلامی، استخوانهایش هم خاک شده باشد و کفنش هم پوسیده باشد! می بینید که امروز بحمدالله جمهوری اسلامی، اگر در آن روز یک نهال بود، امروز یک درخت تناور است.

یکی دیگر از تلاشهای استکبار - که جوانان عزیز، به این نکته توجه داشتند جو سازی علیه کسی است که می خواهند او را از بین ببرند و از میدان خارج کنند. این کار، علیه جمهوری اسلامی، در طول این هفده سال، به اشد وجهی انجام گرفته است. واقعاً لازم است که جوانان و روشنفکران ما و کسانی که می خواهند در مسائل جهانی و

سیاسی و مورد علاقه شان، روشن بینی پیدا کنند، باید به این نکته توجه کنند.

امریکاییها، نه فقط نسبت به ایران، بلکه نسبت به هر دولتی که در هر گوشه از دنیا، آن را نپسندند، سیاستی دارند. البته، دولتی مثل دولت جمهوری اسلامی است که با اصل وجودش مخالفند. دولتی هم هست که فقط حرکتی از حرکت‌های او و یک موضع گیریش را نمی پسندند. این سیاست هم، مخصوص امریکاییها نیست. همه قلد‌های دنیا، در دوران جدید ارتباطات و در عصر فناوری مدرن، این سیاست را دارند؛ منتها امروز برای ما، امریکاییها این موضع غیرشریف را اتخاذ کرده اند.

آن سیاست این است که از یک طرف، روی آن دولت، انواع فشارها را بیاورند و به قدری این کار را بکنند که به خیال خودشان، آن دولت را عاجز نمایند. یعنی در دنیا، علیه او تبلیغات کنند؛ در داخل آن کشور، مردم را از آن دولت و آن نظام برگردانند؛ در صحنه اقتصادی، او را دچار محاصره اقتصادی کنند و در زمینه علوم و روشها و معارف و صنایع جدید، او را از پیشرفته‌ها باز بدارند.

ملاحظه کردید که درباره نیروگاه اتمی و تشکیل کوره اتمی، چه جنجالی در دنیا به وجود آوردند و گفتند که ایران می خواهد بمب اتم درست کند! می دانند که این طور نیست. آنها می خواهند صنعت اتمی، وارد کشور نشود. می خواهند روشهای نوین و فناوری جدید، به این ملت نرسد؛ زیرا اگر این ملت، با این استعدادی که دارد، دستش به دانش و فناوری جدید رسید، دیگر به هیچ وجه نمی توانند با او مقابله کنند. این، جزو همان روشهاست.

پس، از یک طرف، فشار سیاسی و اقتصادی و علمی و تبلیغاتی وارد می آورند و هر طور که بتوانند، بدگویی و جوسازی می کنند، و از طرف دیگر، وقتی به نظرشان رسید که حالا دیگر آن دولت خسته شده است، برای ارتباط گرفتن، چراغ سبز نشان می دهند و می گویند ما حاضریم با شما مذاکره و کار کنیم! معمولاً دولتهایی که مسؤولان آن، دچار ضعف باشند، در چنین موقعی، پاهای و زانوهایشان می لرزد. بنابراین، از یک طرف، فشار فراوان وارد می آورند و از طرف دیگر هم، چهره باز و آغوش گشاده نشان می دهند!

نتیجه این می شود که وقتی آن دولت - که می خواهند با او دشمنی کنند - این اشتباه را کرد و به دعوت آنها «بله» گفت، یک ذره حیثیتی هم که به خاطر استقلال خود به دست آورده بود، از دست خواهد داد؛ اگر پشتیبانی مردمی داشت، از دست خواهد داد؛ اگر پشتیبانی جهانی داشت، از دست خواهد داد و اگر اراده ای در درون خودش بود، آن اراده در هم فرو خواهد ریخت. آن وقت، فشارها را باز هم شدیدتر می کنند و او را در مشیت خود می گیرند. یعنی اگر بخواهند نابود و مضمحل کنند، مضمحلش می کنند؛ اگر خواستند چیزی به او تلقین و تحمیل کنند، تحمیل می کنند؛ او هم راحت می پذیرد. این روش، شناخته شده است.

اشتباه دولتمردان امریکایی این است که می خواهند این روش را، نسبت به موجود عظیم با اراده مقتدر متکی به خودی مثل ملت ایران، عمل کنند. اشتباه امریکاییها در این است که می خواهند همان روشی را که در آزمایش با یک دولت ضعیف - که اتکایی هم به مردمش ندارد و اصلاً در آن کشور، با مردم سر و کاری نیست - به کار می برند، با یک موجود عظیم با اراده مستحکم ریشه دار در تاریخ و ریشه دار در سرزمین فطرت - مثل ملت ایران - به کار ببرند. ملت ما، ملتی قوی و با فرهنگ و با اراده است و نظامی که متکی به چنین ملتی است - نظام جمهوری اسلامی - به اشخاص و دولتها متکی نیست.

به نظر من، یکی از مهمترین حرفهای امام بزرگوار این بود که می فرمود: این نظام، وابسته به من و زید و عمرو نیست. امامی که پدر و پدید آورنده این نظام و معلم این ملت بود و دست قدرتمند او بود که توانست این معجزه را بکند و این هنر بزرگ را نشان دهد. او می گفت که این نظام، متکی به من نیست؛ من هم که نباشم، این نظام و این ملت هستند. حرف خیلی بزرگی است. وقتی نسبت به امام، این طور باشد، نسبت به همه اشخاص، این طوری است.

این نظام، متکی به اشخاص نیست؛ متکی به حقایق و متکی به آحاد ملت و متکی به آن معنویتی است که در میان این ملت وجود دارد و لطف خدا را جلب کرده است. تا وقتی این ملت، با همین ایمان و با همین اخلاص و با همین صفا پیش می رود و حرکت و مبارزه می کند، هر کسی در این دنیا و در این نظام باشد یا نباشد، لطف خدای متعال،

شامل این نظام است و این نظام، همان قدرت و نشاط و حضور و توانایی فوق العاده را دارد و خواهد داشت. پس، شعار مبارزه با استکبار، یک شعار زنده است. بر خلاف آنچه که خود مستکبران تبلیغ کرده اند، مبارزه با استکبار، هم ممکن است، هم دارای آینده است و هم امروز برای ملت ایران، یک فریضه به حساب می آید. منتها شما جوانان و شما روشنفکران و شما افراد هوشمند، باید روشهای گوناگون این مبارزه را پیدا کنید. این، آن حرف اساسی ماست.

دشمن را بشناسید، ادامه صفوف دشمن را در داخل کشور بشناسید، روشهای دشمنی را بشناسید، تبدیل شده و ترجمه شده آن روشها در داخل کشور را هم بشناسید. در داخل دانشگاه، در داخل دبیرستان، در متن جامعه، در فعالیتهاي کشور، در مطبوعات و در تبلیغات، ادامه حضور استکبار را بشناسید. استکبار می خواهد در این کشور و در میان این ملت، ایمان عمیق نباشد، سرگرمی به شهوات باشد، «معروف» اسلامی نباشد و آنچه از نظر اسلام «منکر» است، رایج باشد. استکبار می خواهد در داخل کشور، تنبلی و بیکارگی باشد، سازندگی و ابتکار و اصلاح امور اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مردم نباشد. استکبار می خواهد پیشرفت علم و دانش در کشور نباشد، تحقیقات نباشد، کلاس درس نباشد.

ای بسا کسانی باشند که با طرح شعارهای فریبنده، همان کاری را بکنند که استکبار می خواهد. باید شما کاملاً هوشیار باشید. این، توقع ما از نسل جوان است. به این اکتفا نکنیم که «مرگ بر استکبار» یا «مرگ بر امریکا» بگوییم. این، یک شعار است و لازم است و هست؛ اما همه قضیه، این نیست. از جمله آن عملهایی که گفتیم همراه با شعار لازم است، یکی کار روی این شعار است. شما جوانان، دور هم بنشینید و با هم صحبت کنید. این که من گفتم دانشگاه و محیط جوان باید سیاسی باشد، معنایش همین است. این چیزی را که به عنوان علم، مسیر این ملت و این کشور معرفی می شود - یعنی مبارزه با استکبار جهانی - تبیین کنید و بشکافید.

امروز امریکاییها که در شعار، با استبداد مخالفند، اگر یک جا حکومت استبدادی باشد، شعار می دهند که ما مخالف استبدادیم! حالا به این قضیه کاری نداریم که در مواردی - کشورهایی که شما می شناسید و من نمی خواهم اسم بیاورم - زشت ترین استبدادها در حکومتها را هم، خود آنها زیر بال می گیرند و با زشت ترین استبدادها هم می سازند؛ اما در سطح جهان، خود آنها قائل به استبدادند؛ استبداد امریکایی. آنچه که آنها می خواهند، می گویند در دنیا باید انجام گیرد؛ نه آنچه که ملتها می خواهند و نه آنچه که دولتهای مردمی می گویند و می خواهند.

در همه امور کشورها، بخصوص در مسائل مربوط به این منطقه ثروتمند و نفت خیز و آنچه که مربوط به نظام جمهوری اسلامی است، دخالت می کنند. در مقابل چنین دخالتی و چنین روحیه متعصنانه و متجاوزانه ای که استکبار دارد، یکایک ملت ایران، باید روی این شعار مبارزه با استکبار فکر کند و شما جوانان، بیشتر باید فکر کنید. آن ملتی که اهل کار و فعالیت است و از تلاش خسته نمی شود؛ جوانش تحصیل علم می کند، دانشگاهش به درس و بحث و تحقیق و بقیه کارهایی که جوانان، در عرصه فعالیتهاي علمی و اجتماعی باید انجام دهند، می پردازد؛ دولتش، به نیازهای مردم می رسد و سوز و درد آنها را دارد و برای مردم کار می کند؛ روحانیتش، با کمال اخلاص و صفا، در راه خدا تبلیغ می کند، حرف می زند و تلاش می کند؛ آحاد مردمش، به سمت معرفت صحیح حرکت می کنند و در راه خدا می ایستند و حضور انقلابی خودشان را حفظ می کنند.

بحمدالله این معیارها، تا حدود بسیار زیادی در کشور ما موجود است. البته بهتر از این هم می تواند بشود و باید بشود. کشوری که این خصوصیات را دارد، با آن دانشجو، با آن کاسبکار، با آن روشنفکر، با آن دانش آموز، با آن روحانی، با آن دولت، با چنین ایمانی، با چنین انگیزه و صمیمیتی، نه فقط امریکا، که اگر ده قدرت هم مثل امریکا، در صحنه سیاست جهانی باشند، در مقام معارضة و مبارزه با چنین ملتی، نمی توانند یک مو از سر این ملت کم کنند.

لذا توصیه من به شما جوانان عزیز - چه دختران و چه پسران - همین است. شما در صحنه فعالیتهاي جوانانه، فعالیت علمی، فعالیت تحصیلی، فعالیت تحقیقی، فعالیت سیاسی، فعالیتهاي اجتماعی گوناگون، کار فرهنگی و مطبوعاتی و هنری و ورزشی و امثال اینها، با همه نشاط و با همه قدرت حضور داشته باشید و طهارت و تقوا و ایمان

و اخلاص و صفایتان را - که حقاً و انصافاً در بین جوانان دنیا، شما از این جهات نمونه اید - حفظ کنید. اگر این تلاش مؤمنانه و مخلصانه و باصفا، در بین بخصوص جوانان ما و در بین بقیه آحاد ملت هم - هر کدام به سهم خودشان - وجود داشته باشد، استکبار در مبارزه خود با ملت ایران، قطعاً و یقیناً، نه یک بار، بلکه بارها و بارها به زانو در خواهد آمد و شکست خواهد خورد. در این، تردیدی نیست.

ما از چه چیزی واهمه داشته باشیم؟ چرا واهمه داشته باشیم؟ البته بدیهی است که وقتی می‌گوییم مبارزه، معنایش این است که در این موضع قدرتمندانه و برخاسته از ایمان و اراده می‌ایستیم و تسلیم کسی نمی‌شویم. معنایش این نیست که لشکرکشی می‌کنیم و به جنگ با امریکا می‌رویم! کار و هدف ما، این نیست. البته هر متجاوز هم اگر تجاوز کند - هر که می‌خواهد باشد؛ از امریکا گرفته تا دست‌ها و ابزارها و کوچک ابدالهایش در هر جای دنیا - با مشیت محکم این ملت روبه‌رو خواهد شد. در این تردیدی نیست. آنچه که برای این ملت اصل است، همان ایستادگی و مقاومت و مبارزه حقیقی است که خدای متعال را خشنود و قلب مقدس ولی عصر ارواحناده را از شما راضی و حالت انتظار آن بزرگوار را در شما تقویت می‌کند و روح مبارک امام را از شما شاد می‌نماید و دشمن را ناکام خواهد کرد. امیدواریم که خداوند متعال، این توفیق را به همه شما عنایت کند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته